

«از واقعه‌نگاری به روایت ادبی»:

بررسی وجوه ملی‌گرایانه اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی در نامه باستان

حامد مهاد

دکتر محمدجعفر یاحقی

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی

دکتر فرزاد قائمی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی

چکیده

حماسه‌های پس از شاهنامه زیر سایه سنگین این اثر، کم‌تر طرف توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. این کم‌توجهی، در مورد ادبیات عصر قاجار و حماسه‌های این دوره، به بی‌توجهی پهلو می‌زند. در این دوره، تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری رخ داد که در شکل‌گیری حوادث بعدی تأثیرگذار بود. یکی از تحولات فکری و فرهنگی مهم این زمان، به زایش شیوه و اسلوب خاصی در حماسه‌سرایی مربوط است. در پایان این دوره، که از لحاظ سبک‌شناسی سنتی، مقارن با مکتب بازگشت ادبی، و از حیث تحولات اجتماعی، هم‌زمان با رویداد مشروطه است، شاهد ظهور گونه‌ای از منظومه‌های تاریخی هستیم که به پیروی از شاهنامه فردوسی سروده شده‌اند اما نه تنها تقلید صرف از آن نیستند، بلکه در فرم و محتوا بنایی نو پی‌افکنده‌اند؛ تا آنجاکه هویت و ملی‌گرایی مد نظر سراینده‌گان آن‌ها، که از نگاه باستان‌گرایانه هم تهی نیست، در دیدگاه، تفاوت‌هایی با شاهنامه دارد. منظومه نامه باستان سروده میرزا آقاخان کرمانی، متفکر مشروطه‌خواه، از این دست است. در عصری که ناسیونالیسم و حکومت قانون، باستان‌گرایی و تجدد، و بیداری و روشن‌فکری، اهمیت یافته‌اند، به نظر می‌رسد حماسه‌های مذکور، حاصل تأثیر متقابل کنش اجتماعی و آفرینش ادبی باشند. بنابراین، تحلیل و واکاوی این دسته از آثار و تعیین نسبت آن‌ها با اندیشه ایرانشهری مندرج در شاهنامه از یک‌سو، و با ناسیونالیسم نوظهور این دوره از دیگر سو، می‌تواند به پرسش‌هایی درباره سابقه تاریخی ملی‌گرایی در ایران پاسخ دهد. به گمان نگارندگان، ملی‌گرایی مندرج در این آثار، اگرچه پیوندی با تاریخ گذشته دارد، اما نسبتش با واقعیت‌های روز، به‌مراتب از ارتباط آن با تاریخ بیشتر است.

دوره‌های پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

کلیدواژه‌ها: ملی‌گرایی، حماسه تاریخی، پیروی‌های شاهنامه، عصر مشروطه، نامه باستان.

۱. مقدمه

ادبیات هر دوره‌ای را باید با توجه به زمینه‌های سیاسی و بستر اجتماعی آن دوره مطالعه و بررسی کرد. اهمیت این امر درباره ادبیات عصر قاجار و دوره مشروطه دوچندان است. در این دوره، به‌ویژه در سرایش شعر حماسی، دگرگونی‌هایی بنیادین رخ داده است که حتماً باید از لحاظ تاریخی و در ارتباط با تحولات اجتماعی ایران در آن برهه بررسی شود. با وجود این‌که از یک سو، در این دوره، گرایش‌های ملی‌گرایانه رشد می‌کنند و به اوج می‌رسند و از دیگر سو، زمینه ملی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نوع ادبی حماسه است، اما تا کنون پژوهشی مستقل به بررسی و تحلیل منظومه‌های حماسی-تاریخی دوره قاجار اختصاص نیافته است. بنابراین، ضرورت دارد حماسه‌های این دوره و بنیادهای نظری آن نقد و بررسی و ارزیابی شود.

این پژوهش بر آن است تا با مطالعه موردی نامه باستان، سروده میرزا آقاخان کرمانی که خود از نظریه‌پردازان مشروطه و از سردمداران جنبش ناسیونالیسم ایرانی و باستان‌گرایی در عصر قاجار به شمار می‌رود، علل تاریخی تحول و دگرگونی شعر حماسی در این دوره را تبیین کند. افزون بر این، می‌کوشد با استخراج درون‌مایه‌ها و مضامین اصلی مطرح شده در این منظومه، تحلیلی از ویژگی‌های تکرار شونده حماسه‌های تاریخی این عصر به دست دهد تا

به پاسخ دو پرسش بنیادین در این زمینه برسد: ۱. رشد و گسترش مفهوم ناسیونالیسم و جایگاه آن در منظومه‌های حماسی - تاریخی این دوره متأثر از چه عواملی است؟ ۲. کیفیت تبدیل تاریخ از واقعه‌نگاری به روایت ادبی، در این منظومه‌ها، بیش‌تر مرهون چه عواملی است؟

به نظر می‌رسد که مفهوم ملیت و وطن در حماسه‌های این دوره، تحت تأثیر گرایش‌های ملی‌گرایانه، باورهای دینی و مذهبی و نیز اندیشه‌های نوگرایانه شکل گرفته است و باستان‌گرایی، گرایش به ایران پیش از اسلام، اسطوره‌های ایرانی، پادشاهان مقتدر ساسانی و نیز گرایش به اسلام از عناصر مؤثر بر ملی‌گرایی در این آثار هستند.

از جمله پژوهش‌هایی که تاکنون در این باره انجام شده، «معرفی و بررسی اجمالی منظومه‌های حماسی تاریخی و دینی بعد از دوره صفوی» عنوان رساله دکتری نازنین غفاری است که آن را در سال ۱۳۹۱ با راهنمایی دکتر محمود مدبری در دانشگاه شهید باهنر کرمان تألیف کرده است. در این پژوهش، فهرستی از منظومه‌های حماسی تاریخی و دینی متعلق به نیمه دوم سده دوازدهم، سده سیزدهم و نیمه نخست سده چهاردهم گردآوری شده و توضیح کوتاهی شامل موضوع، نام سراینده، تعداد نسخه‌های موجود و محل نگهداری آن‌ها نوشته شده است. با این‌که نویسنده در پایان، نظر خود را در مورد کیفیت آثار و ارزش ادبی آن‌ها در مقایسه با شاهنامه فردوسی بیان می‌کند، اما هدف پژوهش، تحلیل هیچ‌یک از این آثار نیست بلکه فقط به ارائه فهرستی توصیفی بسنده کرده است.

نرگس بیاتی نیز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «حماسه‌سرایی در عصر قاجار، با تکیه بر حماسه‌های تاریخی» در سال ۱۳۹۴ با راهنمایی دکتر محمدرضا نجاریان در دانشگاه یزد به نگارش درآورده است. نویسنده در پژوهش خود، بدون ذکر از سایر منظومه‌های تاریخی - حماسی عصر قاجار، تنها به توصیف دو اثر شاخص آن عصر: شهنشاه‌نامه صبا کاشانی و قیصرنامه ادیب پیشاوری و نیز ابیات پراکنده‌ای از دو شاعر: حکیم هیدجی و ادیب‌الممالک فراهانی می‌پردازد و آن‌ها را با شاهنامه فردوسی می‌سنجد. ناگفته نماند که جامعه آماری این تحقیق نمی‌تواند به تحلیلی مستدل و استوار بیانجامد، اما بیاتی پس از بررسی ویژگی‌های حماسی و غیرحماسی این آثار و بیان میزان تقلید آن‌ها از شاهنامه فردوسی، نتیجه می‌گیرد که «شاعران حماسه‌سرای این دوره به غیر از احیای گذشته کار خاصی انجام ندادند و حرف تازه‌ای برای گفتن نداشته‌اند»؛ نتیجه‌ای که حاصل شتاب‌زدگی و عدم تعمق و

تحلیل علمی است. این پژوهش نیز اثری است توصیفی و نه تحلیلی. دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹
رویکرد مقایسه‌ای آثار منظوم حماسی عصر قاجار با شاهنامه فردوسی، در مقاله «بررسی سبکی و محتوایی شاه‌شاه‌نامه فتحعلی‌خان صبا و مقایسه آن با شاهنامه فردوسی» از بهاره مؤذن هم وجود دارد و نشانی از تحلیل محتوا در آن نیست. مقاله مذکور در کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۶۳، اردیبهشت ۱۳۹۰، صفحات ۳۹-۳۱ منتشر شده است.

دکتر سید مهدی زرقانی و علی باغدار دلگشا، «رویکردهای روشن‌فکران عصر مشروطه به داستان‌ها و روایت‌های ملی» را در مقاله‌ای به همین نام بررسی و تعیین کرده‌اند. هدف نویسندگان مقاله، که در مجله پژوهش‌های ادبی، شماره ۵۱، بهار ۱۳۹۵، صفحات ۳۲-۹ منتشر شده است، تعیین و تبیین رویکرد روشن‌فکران مشروطه به روایات ملی، نه از روی آثار تحقیقی، بلکه از روی آثار خود آن‌هاست. بنابراین منابع آن‌ها دست‌اوّل و نتایج پژوهش قابل اعتمادتر خواهد بود. با وجود این، در این بررسی، نشانی از منظومه‌های حماسی این عصر و نامی از سرایندهان آن‌ها به چشم نمی‌خورد؛ منابعی که به طور مستقیم تحت تأثیر روایات ملی سروده شده‌اند و در روشن شدن افق اندیشه‌های نخبگان آن عصر نقشی مهم دارند.

همین کاستی - در حوزه این موضوع - در مقاله «روایت و فراروایت تاریخی در آثار جلال‌الدین میرزای قاجار» نیز به چشم می‌خورد. در فصل‌نامه فرهنگ، سال بیست‌ویکم، شماره چهارم، پیاپی ۶۸، زمستان ۱۳۸۷، صفحات ۴۰-۱، نویسنده، بدون نیم‌نگاهی به منظومه‌های حماسی عصر جلال‌الدین میرزا، به جست‌وجوی ریشه‌های روایات ملی

و فراروایت‌های تاریخی در آثار و اندیشه‌های باستان‌گرایانه، ملی‌گرایانه و تجدّدطلبانه او و هم‌عصرانش پرداخته است.

«جلوه‌های ملی‌گرایی در آثار شاعران برجسته عصر مشروطه» عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدحسین یاری فیروزآباد به راهنمایی علی گراوند در دانشگاه ایلام به سال ۱۳۸۹ است. گرچه انتظار می‌رود نمودهای ملی‌گرایی عصر مشروطه در این پژوهش با نگاهی به منظومه‌های حماسی تبیین شده باشد، اما این پژوهش نیز خالی از چنین نگاهی است.

حاصل پژوهش‌های دامنه‌دار و هجده ساله ما شاء الله آجودانی در مورد شعر و ادبیات عصر مشروطه، مجموعه مقالاتی است که در کتاب «یا مرگ یا تجدّد: دفتری در شعر و ادب مشروطه» گردآوری و در سال ۱۳۸۱ توسط نشر اختران، منتشر شده است. آجودانی، با تکیه بر دانش تاریخ و اشراف بر مطالعات تاریخی عصر قاجار، بر مسائلی چون «پیش‌زمینه‌های ادب مشروطه»، «نظریه‌پردازان نوآور در ادبیات مشروطه»، «شعر مشروطه و زمینه‌های تاریخی»، «درون‌مایه‌های شعر مشروطه: ناسیونالیسم و تجدّد» انگشت نهاده و آن‌ها را کاویده است و به نتایج قابل تأملی نیز دست یافته است، اما در این سلسله پژوهش‌ها نیز، منظومه‌های حماسی-تاریخی دوره مورد مطالعه، از چشم محقق دور مانده است. به‌ویژه، در این کتاب و در ذیل عنوان «ناسیونالیسم و ادبیات» جای خالی بررسی منظومه‌های حماسی این دوره به شدت احساس می‌شود و نتایج بحث را با تردید جدی مواجه کرده است.

اما سخن تازه‌تر در کتاب «پیدایش ناسیونالیسم ایرانی: نژاد و سیاست بی‌جاسازی» (ترجمه حسن افشار، تهران، مرکز: ۱۳۹۶)، مطرح شده است. رضا ضیاء ابراهیمی در این اثر، بر خلاف اکثر پژوهش‌گران پیش از خود، ریشه ناسیونالیسم ایرانی و گرایش‌های وطن‌پرستانه در ایران را در عصر قاجار و در اندیشه‌های نخبگان آن عصر می‌داند و آن را «ناسیونالیسم بی‌جاساز» می‌نامد. افزون بر این، وی معتقد است که این ملی‌گرایی بر هیچ پایه مستند و مستدلّی استوار نیست و زائیده افکار و سیاست‌های تئوری‌پردازان عصر قاجار است. با وجود این، ضیاء ابراهیمی نیز در پژوهش خود از بررسی آثار منظوم حماسی عصر قاجار - که حاوی اندیشه‌های باستان‌گرایانه و شامل نگاه‌های ملی‌گرایانه هستند - خودداری کرده و در تحقیق خود جایی برای آن‌ها در نظر نگرفته است.

در دایره این جست‌وجوها پیداست که تا کنون پژوهشی مستقل درباره حماسه‌های عصر قاجار و تحلیل محتوایی آن‌ها صورت نگرفته است. این در حالی است که هر پژوهشی درباره شعر قاجار، تبیین رویکردهای ملی‌گرایانه در آن و تعیین میزان پیروی و تقلید از شاهنامه فردوسی در شعر شاعران آن، بدون بررسی و تحلیل و ژرف‌نگری در منظومه‌های حماسی-تاریخی آن عصر، ناقص و غیرقابل اعتماد خواهد بود.

۲. درباره منظومه‌های حماسی-تاریخی عصر قاجار، نامه باستان و میرزا آقاخان کرمانی:

حاصل جست‌وجوهای نگارنده یافتن حدود چهارصد منظومه حماسی در عصر قاجار است که از این میان و جدا از منظومه‌های حماسی-دینی، شمار منظومه‌های حماسی-تاریخی به دوپست می‌رسد که پس از بررسی‌های اولیه می‌توان آن‌ها را از جهت رویکرد و محتوا دسته‌بندی کرد. این آثار در یک تقسیم‌بندی کلی از نظر محتوا، در اقسام جنگ‌نامه‌ها (شرح نبردهای قومی و عقیدتی / مذهبی، به‌ویژه شیعه و سنی)، تاریخ ایران، تاریخ مشروطیت، شرح احوال شاهان (ایرانی و غیرایرانی) و حکمرانان محلی، و فتح‌نامه‌ها (شرح فتنه‌ها و شورش‌ها) می‌گنجند و از نظر رویکرد و درونمایه، مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی، ایران‌دوستی و باستان‌گرایی، اسلام‌گرایی و سنت‌گرایی، گرایش به تجدّد و مدرنیته، مناقشات بین‌المللی و جانب‌داری از یکی از قدرت‌های جهانی در برابر دیگری، نژادپرستی و سامی‌ستیزی، این آثار را از یکدیگر متمایز می‌کند. از جمله، منظومه‌های جنگ‌نامه تبریز از محمود تندری قمی، تاریخ ایران از میرزا اسماعیل خان آشتیانی، تاریخ مشروطیت از میرزا غلام‌علی مهاجر زنجان، شهنشاهنامه از فتحعلی خان صبا کاشانی، قیصرنامه از ادیب پیشاوری، میکادونامه از میرزا حسین علی تاجر شیرازی، فتح‌نامه نایبی از سید اسدالله منتخب‌الاسادات یغمایی، سرگذشت اردشیر بابکان از حسن وحید دستگردی، تاریخ

حب‌الوطن از میرزا عبدالحسین ذوالریاستین، کنکاش‌نامه از رجب‌علی تجلی سبزواری و نامه باستان از میرزا آقاخان کرمانی، می‌توانند نماینده و نمونه هر یک از بخش‌های یاد شده باشند و ظرفیت واکاوی و بررسی دارند. از این میان، پژوهش پیش‌رو به مطالعه موردی نامه باستان میرزا آقاخان کرمانی پرداخته است.

میرزا آقاخان کرمانی (۱۲۷۰-۱۳۱۴ قمری) در برد سیر کرمان متولد شد. در سال ۱۲۷۰ قمری تحصیلات اصلی خود را در کرمان به پایان آورد در سال ۱۳۰۱ یا ۱۳۰۲ به واسطه تعدی و ظلم ناصرالدوله سلطان عبدالحمید میرزا پنهانی از کرمان به اصفهان مهاجرت کرد. چندی در اصفهان ماند و سپس راهی تهران شد. ظلم و بیداد دوره ناصرالدین شاهی او و یکی دیگر از همفکرانش شیخ احمد روحی را بر آن داشت تا جلای وطن کنند. ظاهراً در اواخر سال ۱۳۰۳ به پایتخت عثمانی رسید و در آنجا به محفل نویسندگان و آزادی‌خواهان ایرانی راه یافت و با کسانی چون میرزا حبیب اصفهانی و سیدجمال‌الدین اسدآبادی و عده‌ای از آزادی‌خواهان عثمانی آشنا شد. در ده سال آخر عمر خود با زبان‌های فرانسه و انگلیسی آشنایی نسبی پیدا کرد و از این راه با اندیشه‌های نوین سیاسی و اجتماعی و ادبی اروپا آشنا شد و با مقالات و رسالاتی که نوشت در ترویج افکار آزادی‌خواهی گام‌هایی موثر برداشت (آجودانی، ۱۳۹۳: ۹۷)

آقاخان آثار و تألیفات متعددی در زمینه فرهنگ، زبان و تاریخ دارد. افزون بر نامه باستان که به نظم است و بر ورن شاهنامه سروده شده، تاریخ نثری نیز با نام آینه سکندری دارد. نامه باستان، گرچه سروده مستقل میرزا آقاخان کرمانی است، اما امروز به عنوان بخش نخست کتاب سالارنامه شناخته می‌شود. سالارنامه کتابی حماسی به شیوه شاهنامه فردوسی است. در این اثر تاریخ ایران از ابتدا تا زمان سرودن آن، دوران زمامداری مظفرالدین شاه قاجار، به نظم درآمده است. این کتاب دو بخش دارد؛ بخش نخست به نام نامه باستان از ابتدای تاریخ ایران تا پایان پادشاهی یزدگرد ساسانی را در بر می‌گیرد و سروده میرزا آقاخان کرمانی. پس از آنکه عوامل حکومتی قاجار او را کشتند، ملا احمد حافظی عقیلی کرمانی در اندک‌زمانی بعد از سرودن این اثر، ادامه کار را تا دوره مظفرالدین شاه به انجام رساند. ملا احمد بن حافظ در خدمت عبدالحسین میرزا فرمانفرما سالار لشکر ایران بود و به همین سبب نام کتاب را سالارنامه گذاشت (خوارزمی، ۱۳۹۷: ۱۵۰)

میرزا آقاخان، نامه باستان را زمانی سرود که در زندان ترابوزان ترکیه به سر می‌برد. او در این منظومه «با نگاه تازه به تاریخ گذشته ایران می‌کوشد چهره‌های پهلوانی و اسطوره‌ای را با چهره‌های تاریخ واقعی ایران تطبیق دهد. بنابراین این اثر نوعی بازآفرینی تاریخ ایران است. (همان، ۱۴۷). مقایسه کوروش کبیر با کیخسرو، یا تطبیق شخصیت اسفندیار با داریوش از نمونه‌های این تطبیق‌هاست.

نامه باستان با ستایش خدا و ایزدان و فرشتگان و درود بر پیامبران تابناک، در احوال عصر تاریکی، چگونگی از میان رفتن تاریخ ایران، اشاره به پاره‌ای از اشتباهات مورخان، سبب نظم کتاب، و ستایشی از ملت آریانا یا آریایی‌ها آغاز می‌شود؛ پس از آن شاعر، به شرح سلسله‌هایی می‌پردازد که به گفته او و «بنا بر عقیده مورخان فرنگ» تا زمان چیرگی عرب در ایران حکومت کردند و شمار آن‌ها یازده سلسله است: آبادیان، آجامیان (جمشیدیان)، ماردوشان یا ضحاکیان یا نمرودیان بابل، آبتین و فریدون و فرزندان، عصر پهلوانی، اکمینیان، مدی‌ها یا مادها، شاهنشاهان پارس، سلفکیان یا سلوکیان، پارت‌ها یا اشکانیان، و ساسانیان.

اینکه میرزا آقاخان در نامه باستان تاریخ را با اندیشه‌های دساتیری می‌آمیزد پیداست؛ اما چنان‌که پس از این خواهد آمد، نشان خواهیم داد که او چگونه با دست گذاشتن بر احساسات قومی و ملی، تلاش در به‌کار گرفتن واژگان فارسی سره، تلفیق احساسات دینی و مذهبی با پیوندهای ملی و تفسیر تاریخ، آن را به روایت ادبی نزدیک می‌کند.

۳. بحث و بررسی

ملی‌گرایی اگرچه نسبتی با تاریخ گذشته دارد، اما نسبت آن با واقعیت‌های روز، به‌مراتب از ارتباط آن با تاریخ بیشتر است. این دیدگاه نسبت به تاریخ را کیت جنکینز (Keith Jenkins) در نظریه «بازاندیشی تاریخ» مطرح کرده است. وی

که پیشگام نوعی بازاندیشی در خصوص تأثیر نگارش و ساختار و ترکیب‌بندی ادبی در گفتمان تاریخ و بیانگر نقش و جایگاه عناصر ادبی سازنده تاریخ محسوب می‌شود، تاریخ را در درجه اول یک روایت ادبی راجع به گذشته می‌داند و معتقد است که حتی تجربی‌ترین وقایع‌نگار نیز مجبور به ابداع ساختارهای روایی برای شکل دادن به زمان و مکان است و چون داستان‌ها بر نقاط پیوند تأکید بیشتری دارند و نقش نقاط گسست را دست‌کم می‌گیرند، پس «تاریخ» قابل فهم‌تر از «گذشته» ظاهر خواهد شد. از دیدگاه او، تاریخ همان گذشته نیست، همواره «برای کسی» است، همیشه هدف و مقصدی دارد، همیشه راجع به قدرت است و هیچ‌گاه بی‌طرف نبوده، بلکه همیشه ایدئولوژیک است. هم‌چنین، منطقی تاریخ نه منطقی کشف بلکه منطقی ایجاد است و به عبارت دیگر، تاریخ‌گفتمانی حقیقت‌ساز است نه حقیقت‌یاب؛ تو ضیح این‌که نگرش‌های کلاسیک، به وجود حقیقت یا حقیقت‌هایی قائل هستند که در طی قرون متمادی در پس لایه‌های وقایع تاریخی پنهان شده‌اند و رسالت تاریخ را بازیابی آن‌ها می‌پندارند، درحالی‌که در قرائت بازاندیشانه تاریخ، حقیقت به‌طور پیشینی و از قبل تعیین شده وجود ندارد، بلکه حقیقت امری ساخته شدنی است. (نک. جنکینز، ۱۳۹۳)

این پژوهش نیز با این دیدگاه به واکاوی و تحلیل پیکره متنی خود می‌پردازد و بر این گمان است که مفهوم ملیت و وطن در اغلب منظومه‌های حماسی-تاریخی دوره مشروطه، و از آن جمله در نامه باستان، مفهومی ایدئولوژیک و تابع قدرت‌های حاکم است و معنای آن همراه با تغییر نهاد حامی این آثار، تغییر می‌کند. این منظومه‌ها، که از یک سو محل برخورد اندیشه‌های نوگرایانه با باورهای دینی و از دیگر سو محل تصادم گفتمان‌های ملی‌گرایانه با گرایش‌های جهان‌وطنی هستند، با برساختن، گزینش یا آمیختن بخش‌هایی از تاریخ (واقعی و اساطیری) به نفع باور خود، واقعه‌نگاری تاریخی را به روایت ادبی تبدیل می‌کنند.

۱-۳ ناسیونالیسم و هویت تاریخی

پدیده‌ای که طی قرن نوزدهم میلادی در غرب روی داد و ناسیونالیسم نام گرفت، در مسیر خود از غرب به شرق دچار دگردیسی‌هایی شد. در اروپا اما، «گرایش‌های ملیت‌خواهانه جدید تقریباً از همان آغاز، خود را جنبش بیداری از خواب غفلت تصور کردند» (آندرسن، ۱۳۹۳: ۳۳۷). با تمام تعریف‌ها و تفسیرهای متفاوتی که بعداً از این پدیده ارائه شد، اگر تعریف ونسا مارتین را بپذیریم که «ناسیونالیسم یعنی حس هم‌هویت بودن و وفاداری به کشور و این مسئله در یک نظام سنتی عملاً به معنای وفاداری به شاه بود که البته ساده‌ترین تعبیر از ناسیونالیسم را وفاداری به سرزمین می‌پنداشتند» (مارتین، ۱۳۹۸: ۳۰)، می‌بینیم که این درباره نامه باستان چندان صادق نیست. این منظومه، آشکارا سروده‌ایست علیه شاه و علیه سیاست‌های او:

گزند آمد از پاس‌بان بزرگ شبان شد به جان رمه هم‌چو گرگ
(سالارنامه، ۱۳۹۷: ۱۷۷)

چنانکه ایرانیان را در برابر او ساکت نمی‌خواهد:

که هر جای آمد ترقی پدید بد از سایه اعتراض شدید (۱۸۶)
البته باید توجه داشت که در ایران، بر سر مسئله هویت ملی و ریشه ناسیونالیسم ایرانی همواره اختلاف نظر وجود داشته است. با این حال از دیرباز «متون برجسته تاریخی مورخان ایرانی و گاه غیرایرانی روایت اسطوره‌ای و تاریخی ایران را از دوران پیشدادی تا ساسانی و سپس تا دوران فعالیت خود به تصویر درآورده و به این ترتیب ایده ایران را به منزله یک پدیده سرزمینی تاریخی، فرهنگی و ادبی تا امروز به نسل‌های پی‌درپی ایرانیان انتقال داده‌اند و بر این اساس، هویت ایرانی همچون یک پدیده تاریخی و سیاسی، نه محصول دوران مدرن، آن‌طور که روایت مدرن و پست‌مدرن می‌گوید، بلکه محصول قرن‌های متمادی پیش و پس از اسلام بوده است» (اشرف، ۱۳۹۷: ۲۲۳). این تفکر اما، اندیشه موجود در نامه باستان نیست؛ آقاخان در این منظومه قصد دارد تاریخ واقعی و مدرن ایران را روایت کند

و به مدد یافته‌های نوین باستان‌شناسی، آن را از دل اسطوره‌ها بیرون بکشد و این مهم را ضروری و برای ترقی ایران ناگزیر می‌داند:

دریغاً که تاریخ در آن زمان
هم آثار پیدا نبودی بسی
به گمان او، ایران سه دوره فترت را پشت سر گذاشته و در این میان، اسطوره و تاریخ با هم آمیخته‌اند:
به‌ویژه در ایران که تاریخ نیست
که از گاه کلدانیان تا عرب
یکی گاه ضحاک با دستبرد
دگر گاه اسکندر نامجوی
سیوم گاه اسلام کز تازیان

سراینده باور دارد که این روایت، تاریخ واقعی ایران است و بر اوست «که پیدا نماید صحیح از سقیم» (۹۲)؛ به‌همین منظور «اشاره‌ای به پاره‌ای اشتباهات مورخین ایران» (۸۹) می‌کند و «چگونگی از میان رفتن تاریخ ایران» (۸۸) را شرح می‌دهد. با این باور که هویت ایرانی را از دل افسانه بیرون بکشد و روایتی ادبی از تاریخ بسازد:

کنونت که امکان گفتار هست
همان به که تیغ قلم برکشی
به تاریخ‌دانان سر و کار هست
به تاریخ پیشین قلم درکشی
فشانی بر افسانه‌ها آستین
نویسی یکی نامه راستین
که هر کو به تاریخ شد رهنمون
ز افسانه تاریخ آرد برون

این میل به روایت دوباره از تاریخ، البته پس‌آیند احساسی بود که پس از رویارویی با قدرت‌های جهان به روشنفکران این عصر دست می‌داد، و چنانکه احمد اشرف اشاره می‌کند «شناختن خود بر اساس گذشته با شکوه و مکان‌های تصویری و دوران‌های طلایی، به مردم کمک می‌کند تا از موقعیت فلاکت‌بار و تأسف بار کنونی فراتر روند. بنابراین طبیعی بود که هواخواهان نخستین ناسیونالیسم در ایران به جست‌وجوی روحیه و شکوه ملی ایران و روح ازلی یک موجودیت یکپارچه برخیزند که فرهنگ خاص خود را دارد. در اینجا به دوران طلایی پیش از اسلام با نگاهی رمانتیک نگریست شد» (اشرف، ۱۳۹۷: ۲۰۳):

کجات آن همه رسم و آیین و راه
کجات آن همه دانش و زور و دست
کجات افسر و گنج و ملک و سپاه
کجات آن بزرگان خسروپرست
ایا ملک ایران انوشه بزی
همیشه ز تو دور دست بدی
خوشا روزگاران و فرخ‌زمان
که روم و فرنگ از تو جستی امان

۲-۳ مفهوم وطن در برابر مؤلفه‌های مذهب و سکولاریسم

همچون ناسیونالیسم، مفهوم وطن نیز به‌ویژه در عصر قاجار و دوره مشروطه محل گمانه‌زنی و اختلاف عقیده است و «گرچه همه شاعران دوره مشروطه برداشت روشن و صریحی از واژه وطن در مفهوم تازه آن دارند، باز می‌توان جلوه‌های خاصی از این مفهوم را در شعر این روزگار نشان داد» (آجودانی، ۱۳۹۳: ۲۲۷). از جمله «یکی از جلوه‌ها، وطن ایرانی در شکل موجود و اسلامی و، حتی شیعی، مورد نظر قرار می‌گیرد و در جلوه‌های دیگر بیشتر تحت تأثیر نگرش اروپاییان، وطن مجرد از رنگ اسلامی آن مطرح است. در چشم‌اندازی دیگر در بخشی از شعر مشروطه جلوه‌ای دیگر از وطن: وطن اسلامی و وطن بزرگ مسلمانان رخ می‌نماید که این نوع برداشت از وطن بازتاب اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی است (همان، ۲۲۸). میرزا آقاخان کرمانی گرچه به داشتن اندیشه‌های سکولار مشهور است و نظریاتش در رساله‌های سیاسی و اجتماعی او، همین را تأیید می‌کند، اما گویا هنگامی که مذهب و اندیشه مذهبی بتواند در خدمت آرمان‌های ملی‌گرایانه باشد، از تجویز و ترویج آن پرهیز نمی‌کند:

سخن‌های پیغمبر هاشمی پر از خرمی کرد روی زمی (۱۶۹) و طرفه اینکه این سخن، از همان سراینده‌ایست که در آغاز همین منظومه چنین سروده بود:

سر نامه بر نام زروان پاک که رخسید از او هرمز تابناک (۸۷)
درو فراوان به زرهوش شید که زردشت از این نام آمد پدید (۸۸)

و این را باید برآمده از اندیشهٔ سیاسی آقاخان دانست، با توجه به اینکه ۹۰ درصد ایرانیان پیرو مذهب شیعه هستند و این درصد برای ناسیونالیسم ایرانی پیامدهایی دارد؛ آن ۱۰ درصد باقی‌مانده یا غیرمسلمان و یا سنی‌مذهب‌اند و در هر حال احساس می‌کنند با آن ۹۰ درصد بقیه تفاوت‌هایی دارند. یکی از مقتضیات ناسیونالیسم آن است که هر فرد هویت خود را با هویت کل جامعه یکی بداند. در حالی که این ۱۰ درصد جمعیت ایرانی غیرشیعه چنان احساسی ندارند. بنابراین «این پیوند نزدیک مذهب و ناسیونالیسم موجب می‌شود تا ناسیونالیسم ایران قدری عجیب و غیرعادی جلوه کند. ناسیونالیسم در غرب مسیحی پدید آمد و به عنوان نیروی ذاتاً سکولار رشد پیدا کرد و پیدایش آن ارتباط مستقیمی با انحطاط قدرت دستگاه کلیسا و پیدایش فرقه‌های گوناگون مذهبی داشت. در مسیحیت نظریهٔ دو شمشیر پذیرفته شده است و اینکه فرد در قبال دولت و دین دو وظیفه جداگانه بر عهده دارد؛ اما در اسلام چنین جدایی وجود ندارد و تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی از جمله جنبهٔ سیاسی آن تابع قانون مقدس شریعت‌اند. این تفاوت از جنبهٔ تئوری حائز اهمیت است و در ناسیونالیسم کاربرد گسترده‌ای دارد» (کاتم، ۱۳۹۶: ۱۶۵). کرمانی نیز احتمالاً با در نظر داشتن چنین کاربرد گسترده‌ای، مذهب و اتحاد ملی و مذهبی را به خدمت اندیشه‌های ناسیونالیستی خود می‌گیرد:

همه خیر اسلامیان خواستم دلم را به نیکی بیاراستم
همه خواستم تا که اسلامیان به وحدت ببندند یکسر میان (۱۸۰)
مر اسلامیان را فزاید شرف نفاق و جدایی شود برطرف (۱۸۰)

منظور کرمانی از اسلامیان در این منظومه، نه تنها ملت مسلمان ایران، که امت واحد جهان اسلام است. او در راستای تحقق اهداف ملی‌گرایانه خود تمام مسلمانان منطقه را متحد می‌خواهد و آرمان سیاسی او این است که:

در اسلام آید به فرحمید یکی اتحاد سیاسی پدید (۱۸۰)
آقاخان نیز همچون دیگر هم‌فکرانش به پیروی از اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی، بر این واقعیت آگاه است که «هیچ‌یک از مسائل مبتلا به جامعهٔ مسلمانان نمی‌توانست بدون اتحاد برطرف شود، بدین ترتیب «مسلمانان چه در داخل و چه در خارج از ایران به صورت فراملی به هم‌کیشان خود در دیگر نقاط جهان دست می‌یافتند و دانش فزاینده‌ای از اقصا نقاط جهان از طریق گزارش‌های مطبوعاتی در اختیار آنان قرار می‌گرفت (مارتین، ۱۳۹۸: ۹۴). افزون بر این «اصلاح‌گرایان در تلاش‌هایشان برای تغییر، هم از بیم رنجش و واکنش منفی علما و هم از بیم این که مبادا امکان مشارکت خودشان در جنبش محدود شود، کاملاً مراقب بودند زبان و مفاهیمی که به کار می‌برند کمتر تداعی‌گر مفاهیم سکولاریستی باشد (همان، ۴۲). از میرزا آقاخان است که:

نمیرم از این پس که من زنده‌ام که این طرح توحید افکنده‌ام (۱۸۱)
پس از من بگویند نام‌آوران سرایند با یکدگر مهتران
همه داد مردی و دانش بداد که کرمانی راد پاک‌نهاد
به توحید دعوت نمود از دویی بتابید از کژی و جادویی (۱۸۱)

با این همه نباید از نظر دور داشت که «در نوشته‌های میرزا آقاخان فقراتی دربارهٔ جایگاه دیانت در نظام اخلاقی و حقوقی وجود داشت. چنان‌که او حکومت و دیانت را دو روی یک سکه و حکومت ظالمانه و عادلانه را مانند دیانت در سرشت مردم یکی اجتماع موثر می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۹۴) و می‌نویسد «به همان درجه و میزان که دیانت در

طبیعت یک ملت موثر است حکومت نیز موثر خواهد بود، زیرا که حکومت عبارت از قانون و سیاست دولتی است که اخلاق و عادات را قهرا و جبرا تغییر می‌دهد» (کرمانی، ۲۰۰۰: ۳۰۱).

۳-۳ توده و حقوق بشر

در نامه باستان بر خلاف سنت رایج حماسه سرایی، نقش پررنگ توده و «ملت» و «رعیت» در برابر پادشاه و طبقه حاکم، جلب توجه می‌کند. صحبت از «حقوق بشر» و حق مردم، آن هم در چنان زمینه و زمانه‌ای را باید از ویژگی‌های این منظومه حماسی-تاریخی دانست:

کنون ای مُرا ملت هوشمند
چرایید در چاه غفلت نژند
به آسان توانید گیتی گرفت
برآیید و بینید کار شگفت
ولی تا شناسید از خیر، شر
ببایست خواندن حقوق بشر

(۱۹۲۳)

گرچه بیشتر جمعیت ایران را روستاییان، کشاورزان، عشایر و زحمت‌کشان شهری بی‌سواد تشکیل می‌داند و آگاهی سیاسی چندانی نداشتند، اما آنچه می‌توانست این توده را به نفع اندیشه‌های ملی‌گرایانه به حرکت درآورد، همانا توسل به عواطف آنان بود (کاتم، ۱۳۹۶: ۴). چنانکه کاتم یکی از ضابطه‌های اصلی ناسیونالیسم را «مشارکت گسترده توده‌ها در امور سیاسی» می‌داند، و معتقد است که از این حیث «نمی‌توان هیچ‌یک از ادوار گذشته ایران را با توجه به معیار شرکت مردمی، دوره ناسیونالیستی نامید». او در ادامه با بیان اینکه «وجود شکوه و عظمت تاریخی نقش بزرگی در مطالعه ناسیونالیسم ایرانی دارد»، تأکید می‌کند که «آگاهی به این تاریخ موجب تقویت و سرزندگی ناسیونالیسم کنونی شده است و در این میان، ایرانیان فرهیخته نوعی آگاهی تاریخی بسیار پیشرفته را در دستور کار قرار دادند، به طوری که در شعر ایران در دهه‌های آغازین سده بیستم تأکید زیادی در تاریخ کشور مشاهده می‌شود (همان، ۲۱-۲۲). تأکید پررنگ بر حق مردم و حقوق بشر در نامه باستان را نیز از همین منظر باید نگریست:

مگر جور و بیداد افزون شده
جگرهای مردم همه خون شده
رغبت ز جورند در پیچ و خواب
مگر شه گدا گشت و کشور خراب
همانا که شبه نیستش آگاهی
که شید خاک ایران ز مردم تهی

(۱۷۱)

به حرمان جاوید از هر حقوق
مگر گشته ز آبای علوی عقوق

(۱۷۲)

گرچه به گمان برخی تأثیر این آگاهی تاریخی بر توده بی‌سواد مردم که اتفاقا اکثریت جامعه ایران را هم تشکیل می‌دادند روشن نیست و عموم مردم چیزی از تاریخ کشور خود نمی‌دانند، اما این نکته مهم را نباید از نظر دور داشت که در این میان حساب شاهنامه فردوسی جداست؛ چنانکه ایرانیان بی‌سواد هم با پهلوانان اسطوره‌ای شاهنامه فردوسی و خویشتکاری و شخصیت آنها آشنا هستند. در واقع این موضوع درباره فردوسی و شاهنامه فرق می‌کند. شاهنامه مورد قبول همه ایرانیان است و مردم روستاها و ایل‌نشینان نیز آن را از بر دارند در قهوه‌خانه‌ها و مراکز تجمع مردمی نیز شاهنامه می‌خوانند. بنابراین، «برای افرادی که آگاهی سیاسی چندانی ندارند و قادر به درک و دریافت اندیشه‌های ناسیونالیستی و آگاهی ملی و تاریخی نیستند، شاهنامه زمینه گسترش سریع ناسیونالیسم اصیل را فراهم می‌سازد» (همان، ۲۲). میرزا آقاخان کرمانی نیز از این مهم آگاه است و اهمیت آن را می‌داند:

خُنک روز کاندرد تو بُد جَمَشید
که آورد بس نیکویی‌ها پدید
خوش آن روزگار کیومرث‌شاه
کزو شد پدیدار دیهیم و گاه
به گاه فریدون، همایون بُدی
زمان منوچهر، میمون بدی
خجسته بماندی پس از کیقباد
همان درگه توس نوذر نژاد

به هنگام کی‌آرش نامور گرفتگی همه خاور و باختر
همایون بدی گاه کاووس‌کی همان روز کیخسرو نیکپی
(۱۷۶)

۳-۴ ملی‌گرایی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی

این نکته مهمی است که نامه باستان در زمانی سروده شده که «استقلال ایران در گرو خواست دو قدرت بزرگ وقت، انگلیس و روسیه بود» (کاتم، ۱۳۹۶: ۲). گرچه این امر از نظر سیاسی و نظامی برای ایران خالی از فایده نبود، اما در بستر اندیشه ناسیونالیسم تحمیلی چنین شرایطی غیرممکن می‌نمود. از همین روست که میرزا آقاخان ملت و سردمداران کشور را در برابر مداخله‌جویان خارجی، به اتحاد فرامی‌خواند و هشدار می‌دهد:

به ایران مباد آنچه‌چنان روز بد که کشور به بیگانگان اوفتد
(۱۸۴)

نخواهم زمانی که این نو عروس بیفتد به زیر جوانان روس
به گیتی مباد آنکه این حوردریس شود همسر لردی از انگلیس
(همان)

با وجود این، نباید از نظر دور داشت که «این طرز نو از ناسیونالیسم با مسئله اقتصاد نیز در پیوند بود. در این دوره ایرانیان با همه دیدگاه‌های مختلف، از جمله کسانی که خود را حامیان اسلام می‌دانستند و کسانی که وطن را اصل می‌دانستند، در برابر واردات کالاهای خارجی و گسترش این کالاها مقاومت و مبارزه می‌کردند» تا جایی که «برخی نیز به‌طور خاص در تلاش بودند نشان دهند که خرید کالاهای خارجی به خودی خود عمل کفرآمیز است و در این زمینه فتوایی هم از علمای نجف گرفتند» (مارتین، ۱۳۹۸: ۷۸). در چنین شرایطی است که کرمانی، ازدهای قدرت‌های غربی را در حال مکیدن خون ایران می‌بیند و از درک‌کشی را پیش می‌کشد. او در این کار، از شاهنامه بهره می‌گیرد تا بار دیگر تاریخ را با روایت ادبی پیوند بزند و آن را در برانگیختن احساسات ملی‌گرایانه به کار گیرد:

بزرگی ایران چرا شد به سر چرایید نومید از دادگر
فریدون فرخ فرشته نبود ز مشک و ز عنبر سرشته نبود
ز ازدرک‌کشی یافت او فرهی تو نیز ازها کش، فریدون تویی
(۱۷۸)

www.anjomanfarsi.ir

۳-۵ نامه باستان: از تاریخ تا روایت ادبی

میرزا آقاخان کرمانی پرورش یافته مکتب دوره ناصری بود؛ دوره‌ای که زمینه تحول در ادبیات و نگرش به آن را ایجاد می‌کند. آنچه که در این دوره و پس از آن رخ می‌دهد و آن را دوره تحول ادبیات دوره بازگشت به ادبیات دوره مشروطه می‌دانند، باید نشان‌دهنده نوعی تحول در نگرش کلی نسبت به ادبیات نیز دانست. کرمانی با سفر به ترکیه و قرار گرفتن در مجلس روشنفکران ایرانی با مفاهیم جدید وطن و کشور آشنا شد و آن را در ادبیات سیاسی و کلام ادبی فارسی وارد کرد و «همین نگاه تازه به میهن و اجتماع، میرزا آقاخان را به سوی اشعار حماسی کشاند» (خوارزمی، ۱۳۹۷: ۱۵۱). او بیش از هر کسی و حتی دقیق‌تر و منظم‌تر از آخوندزاده، در چند و چون شعر فارسی سخنانی آورد و بر اساس همان مفاهیم که از شعر در ذهن داشت نامه باستان را سرود و آن را نمونه‌ای قرار داد که شاعران ایران «از برای اقتفاء شعرای فرنگستان» به کار گیرند. (با مرگ، ۷۷). او پیش از نامه باستان نیز، درباره فن زیباشناسی و اقسام اصلی شعر یونان باستان مطالب مبسوطی ارائه داده و دیدگاه‌های تازه‌ای ترسیم کرده بود و فصل تازه‌ای را در سنت شکنی و نوجویی به نمایش گذاشت (آجودانی، ۱۳۹۳: ۹۷). نامه باستان نیز «گرچه فاقد ارزش ادبی است اما از لحاظ سیاسی و شیوه‌ای که (سراینده) در پرداخت منظومه خود به کار گرفته است واجد اهمیت بسیار است.

(آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۹۰-۱۹۱). او در این منظومه معتقد است که علاوه بر یافته‌های تاریخی باید از دانش ریشه‌شناسی واژه‌ها و اشتقاق بغات نیز بهره برد: «و یا ز اشتقاق و نام لغات/ نماید تو را صورت واقعات» (۸۹). به گفته جنکینز «تاریخ یک گفتمان است؛ یک بازی زبانی. حقیقت و دیگر تعبیر مشابه در این گفتمان یا بازی زبانی تمهیداتی هستند برای گشودن، تنظیم و تعطیل کردن تفسیرها. حقیقت چنان سازسور و زبان‌بند عمل می‌کند حد و مرز تعیین می‌کند. به درستی برای این نکته واقفیم که این قبیل حقایق در واقع افسانه‌های مفیدی هستند که با اتکا به قدرت در این گفتمان بزرگ حضور دارند و قدرت نیز از واژه حقیقت برای اعمال نظارت سود می‌جوید. حقیقت مانعی است در برابر هرگونه بی‌نظمی و همین هراس از بی‌نظمی یا به تعبیری مثبت، همین هراس از آزادی است که حقیقت را به لحاظ کارکردی در پیوند با منافع مادی قرار می‌دهد (جنکینز، ۱۳۹۳: ۱۱۶). بر این اساس، اشاره ضیاء ابراهیمی اهمیت پیدا می‌کند که گرچه هدف اصلی کرمانی تسکین درد مواجهه دردناک ایرانیان با اروپا و حل‌الجی علل عقب ماندگی ایران بود، این سنت ایدئولوژیکی بدون تناقض و ابهامات اخلاقی نیست و ناهمخوانی‌های غریب (سخنان او را) نباید ناشی از جهالت یا سوء نیت (وی) پنداشت؛ آنچه دقیقاً باید مورد مطالعه تاریخی قرار بگیرد نیت نویسندگان متن‌هاست (ضیاء ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

نتیجه‌گیری

گزینش رویدادهای تاریخی به منظور برجسته کردن برخی وقایع یا فروکاستن از بعضی ارزش‌ها، استفاده از تمثیل و این‌همانی، تقلیل تاریخ از گزارش به داستان با پرورش عناصر داستانی و فرونهیشت و استفاده از زبان، لحن و بلاغت حماسی، از عوامل مهم نزدیک‌کننده تاریخ به روایت ادبی در منظومه‌های تاریخی عصر قاجارند و در این میان برخورد با کشورهای غربی و به‌ویژه تهدیدها و شکست‌های نظامی و سرخوردگی حاصل از رویارویی با قدرت‌های جهان در این عصر و فرافکنی شکست‌های معاصر در تصویر دشمنان کهن، از اصلی‌ترین دلایل تلاش میرزاآخاند کرمانی در نامه باستان، برای برتری‌جویی از طریق بازگشت به گذشته و هویت‌گرایی است. این منظومه بازتاب اندیشه‌ها و واکنش به رویدادهای عصر خود است و می‌توان تأثیر گفتمان‌های ایدئولوژیک رایج و جبهه‌گیری‌های یک عصر را در این آن مشاهده کرد. مقاومت در برابر نفوذ استعمار خارجی و شوریدن علیه استبداد داخلی از جمله علل رویکرد سراینده و تشویق حامیان آن به سرودن آن است که پیرامون مفاهیمی چون وطن، آزادی، مدنیت غربی، انتقادهای اجتماعی و سیاسی و نوعی اندیشه سوسیالیستی شکل می‌گیرد. با وجود این، به‌نظر می‌رسد که این منظومه نه با هدف آگاهی تاریخی، بلکه به قصد تاریخ‌آرایی و برانگیختن حاکمان در برابر قدرت‌های خارجی و یا بیداری توده مردم در مقابل استبداد داخلی سروده شده و کارکرد تبلیغی برای نظام سیاسی مورد نظر سراینده در آن دیده می‌شود.

منابع

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۷). مشروطه ایرانی. چاپ نهم. تهران: نشر اختران.
- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۹۳). یا مرگ یا تجدد: دفتری در شعر و ادب مشروطه. چاپ پنجم. تهران: نشر اختران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۷). اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی. تهران: پیام.
- آندرسن، بندیکت (۱۳۹۳). جماعت‌های تصویری. ترجمه محمد محمدی. تهران: رخداد نو.
- باغدار دلگشا، علی؛ زرقانی، سیدمهدی (۱۳۹۵). «رویکردهای روشن‌فکران عصر مشروطه به داستان‌ها و روایت‌های ملی». پژوهش‌های ادبی، شماره ۵۱، بهار ۱۳۹۵، صفحات ۳۲-۹.
- جنکینز، کیت (۱۳۹۳). بازاندیشی تاریخ. ترجمه حسینعلی نوزری. چاپ دوم. تهران: نشر آگه.
- خوارزمی، حمیدرضا (۱۳۹۷). «متن‌شناسی و معرفی کتاب حماسی سالارنامه»، فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی، سال ۵۴ دوره جدید، سال دهم، شماره ۱، بهار ۹۷، صص ۱۶۷-۱۴۵.

«از واقعه‌نگاری به روایت ادبی»: بررسی وجوه ملی‌گرایانه اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی در نامه باستان / ۱۳۹۷

-ضیاءابراهیم، رضا (۱۳۹۶). پیدایش ناسیونالیسم ایرانی: نژاد و سیاست بی‌جاسازی. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
-طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۵). تأملی درباره ایران (جلد دوم: نظریه حکومت قانون در ایران. بخش دوم: مبانی نظریه مشروطه-خواهی). چاپ دوم. تهران: مینوی خرد.
-غفاری، نازنین (۱۳۹۱). معرفی و بررسی اجمالی منظومه‌های حماسی تاریخی و دینی بعد از دوره صفوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر محمود مدبری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان.
-کاتم، ریچارد (۱۳۹۶). ناسیونالیسم در ایران. ترجمه احمد تدین. چاپ پنجم، تهران: انتشارات کویر.
-کرمانی، میرزا آقاخان (۲۰۰۰). سه مکتوب. به کوشش بهرام چوبینه. اسن: نیما.
-کرمانی، میرزا آقاخان؛ کرمانی، احمدبن ملا حافظ (۱۳۹۷). تصحیح، مقدمه و تعلیقات: حمیدرضا خوارزمی و وحید قنبری. تهران: نشر تاریخ ایران.
-سارتین، ونسا (۱۳۹۸). ایران بین ناسیونالیسم اسلامی و سکولاریسم: انقلاب مشروطه ۱۲۸۵. ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.

-Bayat-Philipp. "mirza aqa khan kirmani: a nineteenth century Persian nationalist." Middle eastern studies 10, no. 1 (1974): 36-59.



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



دانشگاه تربیت مدرس



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir